

آستانگی در معماری زیارت

بررسی ارتباط و تأثیر مناسک زیارت بر کالبد معماری حرم رضوی علیه السلام با تأکید بر آستانه‌های ورودی^۱

زهره مقدادی^۲، سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا)^۳، هادی ندیمی^۴ و سیدمحمدحسین نواب^۵

چکیده

معماری زیارت، گونه‌ای مهم از معماری آیینی و مذهبی است که با تمرکز بر معماری زیارتگاه، به ویژه حرم و مضجع اهل بیت علیهم السلام، از منظری بینارشته‌ای قابلیت پژوهش دارد. این نوشتار با قدر مطلق قرار دادن مفهوم «پیش‌آستانگی» در برهم‌کنش «زیارت» و «معماری» سعی دارد با طرح این پرسش: «چگونگی تأثیر سنت زیارت بر معماری زیارتگاه» به بررسی معنا‌مندی معماری حرم از آیین و مناسک زیارت بپردازد. هدف از این مقاله بیان بازنمود کالبدی و معمارانه زیارت بر مداخل یا همان «پیش‌آستانگی»های معماری حرم رضوی علیه السلام است.

تحلیل و تفسیر داده‌های تاریخی، تراثی و معماری در این مقاله از منظر مطالعات فرهنگی و با روش انسان‌شناسی معماری است و در نتیجه تأثیرپذیری کالبدی - معنایی معماری ورودی‌های حرم (مرحله پیش‌آستانگی) از سنت زیارت و آداب تشریف (نیت، سلام و اذن دخول) را در قالب زنجیره‌ای متوالی از فضاهای معمارانه در مداخل ورودی (درها، بست‌ها و صحن‌ها) نظاره‌گر خواهیم بود.

کلیدواژه‌ها: معماری زیارت، آداب تشریف، حرم رضوی علیه السلام، سلسله مراتب، آستانگی و پیش‌آستانگی، اذن دخول.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری (درحال نگارش) با موضوع «بررسی تأثیر سنت زیارت در معماری

حرم اهل بیت علیهم السلام مورد مطالعاتی مداخل (ورودی‌های) حرم رضوی» است.

۲. دانشجوی دکتری حکمت و هنر دینی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم (نویسنده مسئول)

(z.meqdadi@yahoo.com)

۳. عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی قم (dr.zharfa@itaihe.ac.ir)

۴. استاد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی (h_nadimi@sbu.ac.ir)

۵. عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی هنر و اندیشه اسلامی قم (mh.navvab@urd.ac.ir)

بیان مسئله

سابقه تاریخی و کهن زیارتگاه‌ها، به ویژه حرم رضوی علیه السلام، در سرزمین خراسان سبب توسعه و اهمیت حرم رضوی علیه السلام و شهر مشهد شده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. صبغه فرهنگی، تاریخی و عرفانی؛ ۲. هجرت عالمان، عارفان و شیعیان به این ناحیه برای همجواری با آستان و محضر امام و تحصیل علم، معرفت و مراتب سلوک عرفانی؛ ۳. اهمیت استراتژیک خراسان به دلیل واقع شدن در سرحدات شاهراه جاده ابریشم با حاکمیت‌هایی از دوست و دشمن؛ ۴. همجواری جغرافیایی با مناطق مهمی چون ماوراءالنهر و پایتخت‌های تاریخی غزنویان، خوارزم‌شاهیان، سلجوقیان، ایلخانان و تیموریان (هرات، سمرقند، مرو، خوارزم و نیشابور) و طوایف و نژادهای گوناگون (ترک، عُز، اُزبک، تاتار و...); ۵. وجود سنت‌های دیرینه معماری پارسی در ناحیه خراسان، از جمله چهارطاق‌سازی و...

مباحث فرهنگی، قومی، حاکمیتی و داشتن سنت‌های دیرینه زیارت و معماری در طول تاریخ، از دلایل مهم توسعه و تکمیل معماری بارگاه امام رضا علیه السلام است. تا جایی که این مجموعه معماری زیارتگاهی با سلسله‌مراتب متعدّدش در زمره گونه‌شناسی‌های منحصر بفرد در «مقبره‌سازی یادمانی» جهان نام گرفته است (طالع، ۱۳۹۳ش، ص ۲۶۷). سلسله‌مراتب موجود در معماری زیارت از آداب تشریف زیارت تا کالبد زیارتگاه، سبب اهمیت یافتن و تقویت مفهوم حریم‌ها، کیفیت فضاها و به ویژه مفاهیم آستان و آستانگی است.

سلسله‌مراتب تشریف عبارت است از: نیت و غسل زیارت^۱ و کنده شدن از موطن و دیار و پای به راه سفر گذاشتن تا حضور در شهر، قصد زیارت و طی کردن کوی و برزن‌ها و خیابان‌ها و به آستان و آستانگی حریم حرم پا گذاشتن و

۱. غسل زیارت قبل از آغاز سفر، به ویژه قبل از زیارت و هنگام تشرّف به حرم اهل بیت علیهم السلام، مستحب است.

(ر.ک: شیخ عباس قمی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۴۵)

اذن دخول و زیارت خواندن. اصولاً در معماری انتقال و گذر از قلمرویی به قلمروی دیگر به صورت آنی و بدون ایجاد شرایط لازم - اعم از روانی و فیزیکی برای کاربران (در اینجا زائران) - نامطلوب است و می‌توان گفت، عدم رضایت حریم‌ها و تداخل نامناسب قلمروها از کیفیت فضا می‌کاهد. اینجاست که موجودیت سلسله‌مراتب با حریم‌بندی و ایجاد فضای رابط میان دو یا چند قلمرو، عملکرد مطلوب خود را نشان می‌دهد. (ر.ک: سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶ش، ص ۸) به این منظور در تعاملی وثیق و دیرینه، معماری تحت تأثیر مناسک و فرهنگ (در اینجا سنت و فرهنگ زیارت) به خلاقانه‌ترین وجه ممکن توانسته، بنای حرم را از آغازی‌ترین و بیرونی‌ترین قسمت‌ها (ورودی‌ها) تا اندرونی‌ترین حریم‌ها و فضاها، متناسب با عملکرد زیارت معنا ببخشد. بدین ترتیب هر آستانگی - در و درگاه، سردر و مدخل، در و راهرو و معبری به سمت صحن‌ها، رواق‌ها و مضجع و گنبدخانه و... - تأکیدی معناساختی، بصری و نمادین است بر ایستادن و عرض ارادت کردن، سلام دادن و اذن گرفتن و کسب آمادگی روحانی شایسته برای انجام مناسک زیارت و ورود به بقعه و بارگاهی که در بیان احادیث و به تبع آن ذهنیت عامه مردم (فولکلور زیارت)^۱ روضه رضوان و قطعه‌ای از بهشت برین الهی است.^۲

مسئله پژوهشی این نوشتار: تحلیل چگونگی تأثیر و تلفیق معنامندی مناسک زیارت و آداب تشرف بر کالبد فضای معماری حرم با تأکید بر مفهوم پیش‌آستانگی است. حدود دو قرن است به بازشناسایی مفهوم آستان و آستانگی

۱. در پایان‌نامه نگارنده، این اصطلاح برای بیان فرهنگ و ذهنیت عامه زبانی - آیینی مردم در ارتباط با فرهنگ زیارت جعل شده است.

۲. «قال رسول الله ﷺ: «يا ابا الحسن، ان الله تعالى جعل قبرك وقبر ولدك بقاعاً من بقاع الجنة وعرضة من عرضاتها...»؛ «پیامبر به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای ابوالحسن، خدای متعال، قبر تو و فرزندان را بقعه‌ای از بقعه‌های بهشت و آستانه‌ای از آستانه‌های آن قرار داده، همانا خداوند، دل‌های بندگانش را بجزیب و برگزیده خویش را شایسته شما قرار داده است که در راه زیارت شما اذیت‌ها را به جان خریده، قبرهای شما را آباد می‌کنند و بسیار به زیارتتان می‌آیند». (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸ش، ج ۱۰۰، ص ۱۲۱).

در مطالعات معماری و انسان‌شناسی معماری برای درک بهینه فضا توجه شده است، اما به جهت تاریخی، معنوی و درون‌فرهنگی، قرن‌هاست که مفهوم آستان و زیارت، زیارتگاه و مزور - به معنای ادای ارادت، احترام و به محضر بزرگی رسیدن - با یکدیگر در ارتباطند و در معماری زیارت نیز قابل پیگیری. به جهت روش تحلیلی-کیفی این پژوهش در بازشناسی مراتب معماری آستان‌های مجموعه بزرگ حرم رضوی علیه السلام در بطن آیین و مناسک زیارت، در مقاله حاضر - از میان مراتب سه‌گانه «پیش‌آستانگی، میان‌آستانگی و فراآستانگی» - فقط به مرحله «پیش‌آستانگی» می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در موضوع زیارت و معماری آیینی زیارتگاه با نگاه فرهنگی، معرفتی و همچنین رویکردهای مطالعاتی مختلف در تخصص معماری نگاشته شده است. همچنین متون و مقالاتی با نگاه بنیادین (نظریه‌پردازانه) و البته گاه کاربردی درباره آستانگی به زبان‌های انگلیسی و فارسی موجودند. مفهوم و معنای ورودی و مدخل، آستانه و عرصه، ساحت و... همواره در مقام عرصه‌های فضاهای زندگی در متون الهیاتی، معمارانه، جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه مد نظر بوده‌اند؛ اما به دلیل رویکردهای پژوهشی نوین و روش‌های مطالعاتی بیشتر ذیل مطالعات فرهنگی - اجتماعی در قرن اخیر حائز اهمیت شده‌اند که به طور ویژه در ساحت‌های آستانگی و آستانگی در معماری بررسی خواهد شد. برخی از متون و پژوهش‌های نگاشته‌شده در این زمینه عبارتند از:

۱. «رویکرد فرایندی به فرهنگ براساس آرای ویکتور ترنر، با تأکید بر مفهوم آستانگی در زیارت»، نوشته ویکتور ترنر و ادیث ترنر (۱۴۰۰م): این مقاله بیشتر بر جنبه‌های آیینی آستان‌های زیارتی و مطابق با الهیات مسیحی توجه کرده است و نه جنبه‌های معماری؛

۲. «چگونگی طراحی ورودی بنا با توجه به اصول شکل‌گیری معماری آستانگی» نوشته سارا دانشمند و عبدالحمید نقره‌کار (۱۳۹۱ش): مقاله خوبی است که بیشتر بر الگوهای آستانگی در پیکره شهری (خانه، محله، فضاهای عمومی و شهر) دلالت دارد؛

۳. «بازخوانی مفهوم آستانگی در معماری و تبیین مراتب معنایی» نوشته ایوب علی‌نای مطلق، رضا شکوری و علیرضا عینی‌فر (۱۳۹۸ش): این مقاله نیز به جهت نظری مقاله کاربردی خوبی است که به صورت اعم آستان‌های معماری را الگوشناسی کرده و سعی کرده به دور از مصادیق خاص معمارانه، اطوار آستانگی و مفاهیم مؤثر بر آنها را (مرکز، مرز، درون و بیرون، حضور و...) در ابعاد کالبدی و عملکردی بررسی کند. البته این نوشتار به جهت نظری از این منابع خوب، بهره برده است؛

۴. «آستانگی در مناسک حج» نوشته علی رویین (۱۳۹۷ش): این مقاله مقایسه تحلیلی مناسک حج با مفهوم آستانگی، با تأکید بر ویژگی‌های تئاتر گردشبافتی و توجه به مؤلفه اجرای مناسک است که اساساً آستانگی از این منظر با رویکرد این مقاله در حد اشتراک لفظی است.

اما از منظر میان‌رشته‌ای معماری زیارت با نگاه انسان‌شناسانه و کاربردی — تطبیقی سنت‌های دینی و مناسک آیینی — شیعی زیارت با مفاهیم مرتبط با معماری و در جهت تحلیل حرم اهل بیت علیهم‌السلام تا به حال پژوهش متمرکزی صورت نگرفته است.

اصطلاح‌شناسی و ادبیات تحقیق

۱. زیارت: در ریشه لغوی زیارت روح مشترکی از معانی «بازدید کردن، قصد و میل کردن و نوعی گرایش نهفته» وجود دارد. «ژرت فلاناً»؛ یعنی «او را سینه به سینه ملاقات کردم». (سیاح، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۶۹ و ۳۸۶). در زبان عربی و در هسته معنایی «زور» نوعی

دلالت بر مفهوم عدول، برگشتن از چیزی و تمایل به چیز دیگر وجود دارد؛ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۶) در حقیقت گویی زائر هنگام زیارت از «غیر» روی گردان شده، به مزور تقرّب می‌جوید.

زیارت در اصطلاح «قصد کردن مزور، همراه با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی به او و رفتن به قصد تعبد و کمال است». (ر.ک: فولادی و نوروزی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۰) زیارت در مذهب امامیه به دلیل اهمیت مقام امامت و ایمان و معرفت به آن جایگاه، از بارزترین و زنده‌ترین باورهای شیعی است. موضوع زیارت امام و اهمیت به این سنت در روایات و تراث اسلامی متعددی تأکید شده است؛ زیرا زیارت نوعی وفای به عهد است:

قال الرضا عليه السلام: ان لكل امام عهداً في عنق اوليائه و شيعته و ان من تمام الوفاء بالعهد زيارة قبورهم... (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۷۷)

برای هر امامی، عهد و پیمانی برگردن دوستان و پیروان اوست و از نشانه‌های وفای کامل به این عهد و پیمان، زیارت قبر امامان عليهم السلام است.

غایت زیارت تقرب است و هر تقریبی ملزم به داشتن معرفت نسبت به آن جایگاه است. عمق شناخت و معرفت افراد به شیوه تربیت، نوع زیست فرهنگی و... بستگی دارد و این معرفت امکان افزایش نیز دارد. جریان شکل‌گیری ایمان و معرفت (به اصول دین و به ویژه مقام امامت) از دوره پیش از انعقاد نطفه، جنینی، طفولیت و شیرخوارگی تا سنین نوجوانی برای پروراندن فرزند صالح^۱ به صورت دستورالعمل‌ها و احکامی برای مادران و پدران موجود است.

۲. آستان: در لغت به معنای «درگاه، درگه، آستانه، وصید، فناء، سُدّه، کفش‌کن، جناب، عتبه، ساحت، حضرت، کریاس، اُسکفه، گذرگاه و قسمت پیشین (جلوی) خانه» است؛ (ر.ک: لغت‌نامه الکترونیک دهخدا، ذیل آستان)

۱. مانند ادعیه و نماز قبل از انعقاد نطفه، خوردن برخی خوراکی‌ها، قرائت سوره‌های قرآنی و ذکرهای خاص در دوران ۹ ماه حمل مادر و خواندن نماز و دعا، خواندن آیات خاصی از قرآن هنگام وضع حمل و اذان و اقامه در گوش نوزاد و برداشتن کام نوزاد با تربت امام حسین عليه السلام.

در تعبیر معمارانه، مراتب فضایی ورودی معماری سنتی ایرانی - اسلامی (جلوخان،^۱ سردر، پیش‌طاق، هشتی^۲ و...)، به ویژه در مسجد و زیارتگاه (معماری آیینی، نیایشی و آرامگاهی)، معمولاً با ابعاد بزرگ‌تر، بلندتر، پرطمطراق‌تر، کاشی‌کاری شده و با تزئینات ویژه‌تر ساخته و پرداخته می‌شود تا تأکیدی بر آداب آغاز و آستان تشریف در ایجاد توجه و تقویت هویت دینی مؤمنان برای ادای فرائض و نوافل باشد.

در بُن‌مایه معنایی «جناب، ساحت، حضرت و عتبه» نوعی احترام، منزلت، ارج و قرب توأم با روحانیت و معنویت موج می‌زند؛ تا جایی که در بیان ساختارهای مرتبط با مجموعه حرم و زیارتگاه‌های معصومین علیهم‌السلام سال‌هاست عبارت آستان قدس، آستان مقدس و مقدسه (مثلاً آستان قدس رضوی) تداول دارد. در زبان عربی عَتَبَةٌ^۳ و عَرَصَةٌ^۴ به معنای درگاه، آستانه، سرحد، هر یک از پله‌ها و سنگِ سردر است.^۵

۳. آستانگی: آستانگی اسم مصدر از آستان، به معنای «در گذار بودن»، مفهومی است با پیشینه انسان‌شناسانه و در انگلیسی (liminality) از ریشه لاتین لایمن (Limen) به معنای سرحد و مرز (Threshold)^۶ است. (Simpson and Weiner, 2007)

۱. فضای جلوی درگاه خانه، مسجد، زیارتگاه و بازار.

۲. پیش‌طاق قسمتی از بالای درگاه متصل به سقف که معمولاً در مسجد و زیارتگاه با کاشی و تزئینات معماری پوشانده می‌شود.

۳. از «ع ت ب» و جمع آن «عَتَب و عَتَبَات» است. (لغت‌نامه دهخدا: ذیل عتبه)

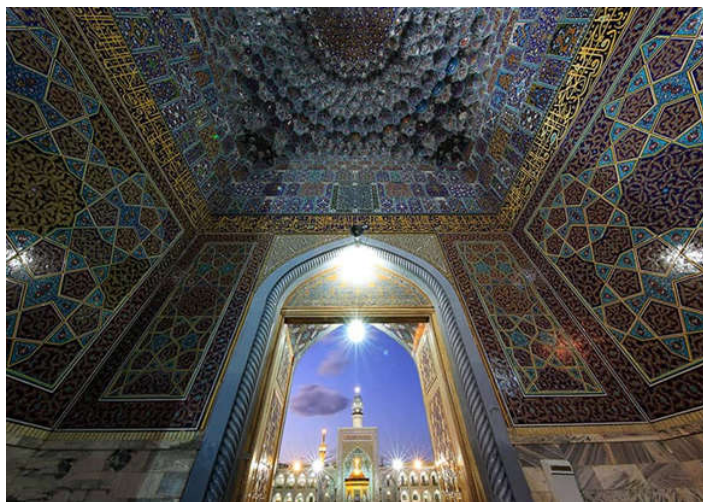
۴. العَرَصَةُ: كل بقعة بين الدور واسعة ليس فيها بناء. (ر.ک: ابن منظور، عرص، ج ۷، ص ۵۲)

۵. همچنین به معنای زمین ناهموار، کار سخت؛ «عَتَبَاتُ الْمَوْتِ»: (سختی‌های مرگ)؛ تَعَتَّبَ باب فلان (بر آستانه در فلانی پای نهاد، ملازم آستانه در او شد)؛ عَتَّبَ بابَه؛ (یعنی از آستانه در گذشت). (البستانی، ۱۹۷۱م، ج ۶، ص ۶۱)

۶. سرحد، آستانه، آستانه ماند، آستانه‌ای، (Hussein zadeh Salaty, 2010) محلی در مسیر سطح کف بین دو فضای همجوار، پایین‌ترین [جلوترین] قسمتِ قاب در. (Davies, Nikolas, and Joki niemi, 2008: p382)

در فرهنگ‌های مختلف آستان و آستانگی از نمادگرایی خاص برخوردارند، نشان‌دهنده انتقالی دوسویه است که تغییر موقعیت را با توالی تغییرات نشان می‌دهد، بر آن تأکید ورزیده، آن را «یادمانی» کرده، رویدادها را هدایت می‌کند. آستانگی گویی نقطه شروع احساس و در مقابل معنای ایستایی و در یک مرتبه بودن است. (ر.ک: دانشمند و دیگران، ۱۳۹۱ش، ص ۸۱) «Threshold» به معنای نقطه آغاز، درگاه و به وضعیتی میانی اشاره دارد؛ معادل «transition» به معنای تقرّب و نزدیک شدن به چیزی است و البته نه رسیدن کامل. در فرهنگ میریام به معنای قُرب و نزدیک شدن با واژه «presence» خویشاوند است که در مدخل دوم به وضعیت یا رفتاری فاخر [به تعبیر مقالات انگلیسی: همراه با نوعی تشریفات و به تعبیر و نگاه درون‌تمدنی: همراه با آداب تشرّف]^۱ اشاره دارد؛^۲ یعنی در شرایط حضور و در آستان بودن نوعی کیفیت قابل ملاحظه، اثر بخش و با وقار است که نه تنها بر نوعی از شأن و منزلت آن کس یا چیز تأکید دارد (ر.ک: علی‌نای مطلق و دیگران، ۱۳۹۹ش، ص ۴۲)؛ بلکه حضور در آستان و عبور از آن [آستانگی] راه یا وسیله برای رسیدن [قرب] به آن کس یا چیز است؛ این معنا بیشتر بر وجوه عملکردی و حیث اتصالی آستانه و آستانگی دلالت دارد (Url2: <https://www.AmericanHeritageDictionary.com/word/>)

۱. دهخدا/ کلمه «جَناب» را از معانی آستانه برشمرده که به وجه احترام و منزلت آن چیز اشاره دارد؛ یعنی فضای آستانه دارای مقام و منزلت است. (ر.ک: ایوب علی‌نای مطلق و دیگران، ۱۳۹۹ش، ص ۴۴).
۲. همچنین در فرهنگ میریام، با تأکید بر وجوه ذهنی و عینی واژه و نقش عملکردی آستانگی، به دوره‌ای از انتقال مبهم یا رازآلود اشاره دارد که عدم تعیین، ابهام و وجوه میانی از خصوصیات آن است (Url1: <http://www.merriam-webster.com/dictionary/liminal>)؛ چراکه در آستانه چیزی بودن، واقع شدن در وضعیتی بینابین، همراه با گذر از وضعیت قبل و عدم استقرار و تعیین در وضعیت بعد است؛ رسیدنی همراه با نرسیدن و در عین حال به معنای معرفتی تقرّب! این معنا به ویژه با تقریر وضعیت و حالت زائر در معماری زیارت تناسب دارد.



(تصویر ش ۱) - سردر آستانه نقاره‌خانه، ورودی صحن انقلاب

۱. ساحت‌های گوناگون مفهوم آستانگی

«آستانگی» مفهومی مرتبط با موضوعات و مفاهیم مختلف است که پیشینه مطالعاتی آن به مطالعات انسان‌شناس فرانسوی ون‌گنپ و ویکتور ترنر بازمی‌گردد؛ در ادامه مفهوم آستانگی را در ساحت‌های زمان، مکان، رفتار، ذهن و ادراک، اجتماع و مذهب (ر.ک: علی‌نای مطلق و دیگران، ۱۳۹۸ش، ص ۴۵) به اجمال بررسی می‌کنیم.

الف) آستانگی در زمان

همه ما آستانگی در زمان را بین دو زمان پیش و پس از غروب یا گرگ و میش، که نه روز است و نه شب، دریافته‌ایم؛ (ر.ک: Thomassen, 2009, pp. 5-28) سحر، پگاه، چاشت، نیمروز، ظهر، بعد از ظهر و... زمان‌هایی آستانه‌ای برای مقاطع زمانی پیش و پس از خودند. از منظر بین‌الادیانی و فرقه‌ای، به ویژه مذهب تشیع، آستانه‌های زمانی گاه مفهوم خاص و مراتب ویژه‌ای دارند؛ از نمازهای

۱. منبع: پرتال جامع رضوی، عکس از سیدروح‌الله هاشمی.

واجب و مستحبی تا ادعیه و اذکار و مناسک دینی مختلف که باید در اوقات خاصی از زمان (ماه، هفته و روز) اقامه شوند.

ب) آستانگی در ادراک حسی

آستانگی در ادراک حسی مربوط به رشته روانشناسی و علوم عصب‌شناسی است؛ آستانه یا «limen» یعنی حداقل میزان لازم برای تحریک یک عصب حسی که در ایجاد هر احساس از حس‌های پنج‌گانه لازم است و با تعابیر آستانه احساس (شعور) مفهوم‌شناسی می‌شود و بیشتر بر عصب‌شناسی و تحریک عصب حسی تأکید می‌کند. (ر.ک: دائرة المعارف آنالین اصطلاحات روان‌شناسی؛ مدخل limen). آستانه‌های احساسی برای همه انسان‌ها قابل درکند و از نوع خاطره‌های مشترک فردی یا جمعی شمرده می‌شوند. بیشتر ما آستانگی احساس را بارها تجربه کرده‌ایم: از مشاهده آبی آسمان در میان قاب دیوارهای خشت و گل در حیاط خانه‌ای با معماری سنتی تا دیدن گنبد و بارگاه حرم مقدس امامان علیهم‌السلام همراه با ادراک قلبی، وجودی و حسی همراه با اشک حاصل از شعف زیارت. در مثال‌های فوق تحریک آستانه بصری و شنیداری کاملاً مشهود است؛ بلکه دیگر احساسات نیز در آستانه تحریک قرار می‌گیرند و معمولاً در پس این تغییرات حسی، با توجه به عمق ادراک و معرفت قلبی — وجودی امکان‌گنش و رفتارهای عملی نیز وجود دارد.^۱

ج) آستانگی در رفتار

تحولات روحی و تغییر حالات انسانی در آستانه مواجهه با یک اتفاق و ماجرا، به صورت تغییر در رفتار، گفتار و حالات بدن، تواضع، خشوع،

۱. تحریک آستانه‌های حسی (بویایی، لامسه و چشایی) در زیارتگاه عبارت است از: با پیچیده شدن بوی عود و گلاب در فضای حرم و کنش تبرک جستن از آنها، تناول و نوشیدن نذری، شربت و آب در حرم، همچنین عتبه‌بوسی و تبرک جستن از در و دیوار حرم. فقدان پژوهش‌هایی از این جنس و از منظر علم عصب‌شناسی و بررسی کنش‌مندی حسی زائران در زیارتگاه به چشم می‌خورد.

صمیمیت و... آستانگی در رفتار نام دارد؛ همچون حضور در مکانی خاص (مسجد و عتبات عالیات)، در آستانه ملاقات با افرادی خاص (استاد، فردی روحانی و اهل دل) و هرکسی یا چیزی که موجب تغییر احساس، تحول رفتار ما به شیوه ادای احترام شود. معمولاً در پس ادراکات آستانگی در حیطه‌های مختلف به نوعی آستانگی در رفتار نیز حاصل شده و با توجه به قوت و شدت تحریک کنش‌های قوی‌تری در آستانگی رفتار نیز حادث می‌شود.

د) آستانگی در مکان

معنای آستانگی در مکان را در همه ورودی و خروجی شهرها، محله‌ها، ساختمان‌ها، خانه‌ها، دریا و آسمان و... می‌توان دریافت؛ یعنی هر مکان و جغرافیایی که انتقال بین دو وضعیت مکانی قبل و بعد را داراست. عبور از محله‌ای با بافت مدرن و سپس ورود به آستانه حیاط خانه‌ای با معماری سنتی، حوض آبی‌رنگ و باغچه‌ای سبز با معماری چهارباغی نمونه‌ای قوی از این انتقال وضعیت مَدْرک است. اغلب زائران این معنا از آستانگی را در معماری زیارت و در پس نیت زیارت، در سفر و گذار از روزمره‌گی زندگی شهری و ورود به حریم حرم با تجربه انواع ساحت‌های آستانگی به صورت ادراکی قوی از سر می‌گذرانند.

ه) آستانگی در اجتماع

آستانگی در اجتماع نیز در بسیاری از پدیده‌ها و اوضاع سیاسی-اجتماعی قابل جست‌وجو است؛ مثلاً وضعیت اجتماع در موضوع انتخابات با توجه به شرایط قبل و پس از آن، وضعیتی در آستانه را به نمایش می‌گذارد. همچنین اقلیت‌های مذهبی، اجتماعی، مهاجران غیر قانونی و... تا زمانی که در کشوری (اجتماعی) که در آن حاضران به شرایط پایدار و پذیرفته شده‌ای نرسند در آستانگی به سر می‌برند. (Turner, 1982, pp 200 – 219). برای زائران به جز ساحت فردی، بهره‌وری از ساحت جمعی سنت زیارت با هم‌نوایی و انتقال

حس معنوی جمع در هنگام زیارت، نماز، ادعیه‌خوانی و دیگر برنامه‌های جمعی به نوعی آستانگی در اجتماع را رقم می‌زند.

(و) آستانگی در مذهب

توماسن در تحلیلی تاریخی مناسک مذهبی را آغازگاه مفهوم (liminality) می‌داند؛ آستانگی در مذهب و باور در سطوح مختلف بین‌الادیانی قابل شناسایی است. موجودیت مادی و روحانی ما در این دنیا، عالم پس از مرگ (برزخ، معاد و روز حشر)، زیارت و زیارتگاه، موعودشناسی و... موقعیت‌های آستانه‌ای از منظر دینی و مذهبی‌اند؛ همچنین باورهای بین‌الادیانی از منظر همگرایی تمدنی و با کلیدواژه «آستانگی» در مذهب و باور، زمان و مکان، احساس و رفتار در متون ادیانی قابل رصد هستند. گویی آدمی به دلیل وضعیت و شرایط خلقی و خلقی (جسمی، روحی، نفسانی و عاطفی) همواره از بدو خلقت تا عالم برزخ و رستاخیز و دوزخ و در مراتب بهشت الهی... در آستانه است؛ همچنین در حال گذار از مرزهای گوناگون آستانگی است.

در ذیل موضوع آستانگی در مذهب و به ویژه معماری زیارت (رابطه زیارت، معماری زیارتگاه و زائر) دقایق مفهوم آستانگی روشن‌تر می‌شود. «ایام زیارات مخصوصه»، خواندن ادعیه و اذکار در اوقات مخصوص (ساعت، روز و ماه) آستانگی در زمان و انجام مناسک خاص در هر قسمت از حرم آستانگی در مکان است؛ همچنین آستانگی در احساس و ادراک با حضور زائر در آستان‌های مکانی و زمانی زیارتگاه و تحریکات حسی، عاطفی و وجودی (برآمده از معرفت به مقام امام) محقق می‌شود؛ کمتر زائری است که این شعف و تحرکات قلبی-وجودی را، که تکانه‌های احساسی زائر می‌نامیم، تجربه نکرده باشد.

۱. اگرچه وی در معنای امروزی با توصیف «وضعیت و مسیری ناپایدار برای رسیدن به یک ساختار پایدار» این معنا را بیشتر در علوم سیاسی و اجتماعی پیگیری می‌کند. (Thomassen, 2009, pp. 18-22)

به تبع آستانگی در احساس آستانگی در رفتار با تغییر کنش، لحن و گفتار به صورتِ تواضع، تآنی و ادب در هنگامه حضور در حرم (حُرمت حرم)، دست بر سینه نهادن، اشک ریختن، دعا و ذکر خواندن، واگویه و صحبت با امام و... بروز می‌کند. هنگام اذن دخول خوانی در ازدحام ورودی صحن‌ها، میان صفوف متراکم مردم در حال تقرّب به مضجع برای زیارت نهایی، در صفوف نمازهای جمعه و جماعت، مجالس ادعیه خوانی و روضه خوانی، غذاسرای حضرتی، خواندن عقد ازدواج و تشیع اموات در حرم و... محملی‌هایی‌اند که آستانگی در اجتماع را نشان می‌دهند. بدین ترتیب در سایه باورهای دینی و مذهبی و مطابق با آداب تشریف، ساحت‌های آستانگی در مناسک زیارت و در درون سلسله مراتب معماری زیارت شکل و شمایل می‌گیرد؛ این تجربه‌های زائران با «تحول قلب و حالات زائر» یا همان آستانگی در احساسات و ادراک همراه است که در ذهنیت عامه نشانه قبولی زیارت بوده، عالمان شیعه نیز بر آن صحنه گذاشته‌اند. (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۹۷، ص ۱۲۷)

۲. آستانگی در معماری زیارت

در ادامه برای پاسخ به پرسش این نوشتار بر هم کنش معنامندی کیف زیارت بر کمّ معماری را پی می‌گیریم و با بررسی دو مقدمه «آستانگی در معماری» و «آستانگی در زیارت» به تحلیل پیش‌آستانگی در معماری زیارت (با تأکید بر ادعیه اذن دخول در مداخل معمارانه حرم) خواهیم پرداخت.

الف) آستانگی در معماری

«آستان» و درگاه در معماری، مفهوم غریب و دور از ذهنی نیست؛ اما «آستانگی» (liminality) در معماری مفهومی نوظهور است. فضاهای متعددی در معماری، مفهوم گذار از آستانی و ورود به آستانی دیگر را تداعی می‌کنند، از درگاه ورودی مابین دو عرصه فضایی در خانه‌ای سنتی تا گذار از مسیر منتهی به شبستان یک مسجد یا رواق زیارتگاه. توجه به این اصطلاح در قرن ۱۹ با

انسان‌شناسانی چون: آرنولد ون گنپ^۱ و ویکتور ترنر^۲ و دیگر نظریه‌پردازان حوزه انسان‌شناسی آغاز شد.

آستانگی شامل کیفیت مرحله‌ای از زنجیره روابط مناسکی، آیینی و روابط تشریفاتی (Ritual) است. این اصطلاح علاوه بر مناسک و آداب و رسوم، در سال‌های اخیر با توسعه معنا و کاربرد، در توصیف تغییرات سیاسی - فرهنگی نیز کاربرد دارد. (Thomassen, 2009: p5) طبق این نظریه هر سلسله‌مراتب، به ویژه هر مرحله عبور،^۳ دربرگیرنده تغییراتی در وضع اجتماعی و فرهنگی استفاده‌کنندگان آن مرحله است و در طول سلسله‌مراتب آستانگی، اشخاص در مرزی میان شیوه پیشین ساخت هویت (زمان یا اجتماعشان) و شیوه جدیدی قرار می‌گیرند، [نوعی از سیالیت در فضای آستانگی] که سلسله‌مراتب آن را تبیین می‌کند.

این سلسله‌مراتب یا زنجیره روابط تشریفات از اجرای آیین‌های پرستش و مناسک مذهبی تا توالی رویدادها یا موقعیت‌های گوناگون (که به منظور نمایش آن تغییرات قابل درک تنظیم شده‌اند) را شامل می‌شود. (ر.ک: سارا دانشمند و عبدالحمید نقره‌کار، ۱۳۹۱ش، ص ۸۰؛ به نقل از:

(Simpson and Weiner, 2007; Hosseinzadeh Salaty, 2010)

ون گنپ تمامی زنجیره‌های روابط را طبقه‌بندی کرد. زنجیره‌هایی که انتقال از یک موقعیت به موقعیت دیگر یا از یک جهان اجتماعی - فرهنگی به جهانی دیگر را برعهده دارند. وی در کتاب *آداب عبور*^۴ مکانیزم مراحل عبور (انتقال) یا همان پدیده آستانگی را در سه مرحله جدایی، گذار و پیوند اصطلاح‌شناسی کرد: فاز پیوندی^۵ یا مرحله مقدماتی و به تعبیر این نوشته پیش‌آستانگی؛ فاز

1. Arnold van Gennep.
2. Victor Turner.
3. Rite of Passage
4. Van Gennep, Arnold. The Rites of Passage, University of Chicago press, 1961.
5. Reaggregation.

مرزی^۱ یا مرحله آستانه‌ای و به تعبیری میان‌آستانگی؛ فاز جدایی^۲ یا مرحله نهایی یا پس‌آستانگی و به تعبیر این نوشته فراآستانگی. بدین ترتیب آستانگی در معماری از بن‌مایه معنای اولیه خود بهره برد، یعنی هم به وضعیت میانی و در گذار در نواحی انتقالی مکان‌ها اشاره دارد و همچنین نوعی وضعیت تقریباً به سوی مقصد را مطرح می‌کند (ر.ک: دانشمند و دیگران، ۱۳۹۱ش، ص ۸۰؛ علی‌نای مطلق و دیگران، ۱۳۹۸ش، ص ۴۰).

بسط این معنا و مفهوم در معماری گاه با رویکرد فلسفی - تحلیلی و پدیدارشناسانه همراه است؛ با تأکید بر مکان‌مندی مسیر و گذار و حضور آدمی در گذر از آستان؛ از جمله شولتز^۳ با تأکید بر حس مکان برای تبیین تئوری فضای وجودی از آستانگی بهره می‌برد. اندیشه‌مندانی چون: ترنر و توماسن^۴ این مفهوم را به جهت سیاسی و اجتماعی در پژوهش‌های خود بررسی کرده‌اند. ویکتور ترنر با نگاهی به زیارت از منظر الهیات مسیحی، از منظر انسان‌شناسی جامعه و فرهنگ را مانند یک فرایند درک کرده است و به دلیل اهمیت مفهوم اجرا و نمایش در اندیشه اجتماعی او و تلقی فرهنگ به مثابه نمایش، آداب و آیین‌هایی چون زیارت (از منظر مسیحیت) را از سویه‌های دراماتیک و نمایشی جامعه می‌داند، نظریاتش سرانجام به شکل‌گیری گفت‌وگو میان انسان‌شناسی و مطالعات نمایشی منجر شد. (ترنر، ۱۴۰۰م، ص ۱۱-۲۵) آستانگی در اندیشه ترنر به لحظاتی از تجربه فرهنگی اشاره دارد که عمدتاً با حالتی خود انگیخته و در حال گذار از جایگاه قبلی به جایگاه بعدی است، لحظات آستانگی همراه با حالت تعلیق بوده، فرد نه به جایگاه قبلی و نه به جایگاه بعدی تعلق ندارد. (ر.ک: همان، ص ۱۳).

1. Margin.
2. Separation
3. Christian Norberg-Schulz.
4. Bjørn Thomassen.

گاه مفهوم آستانگی از منظر روانشناسی محیط، آرای صاحب‌نظران را به خود جلب می‌کند (علی‌نیای مطلق و دیگران، ۱۳۹۲ش، ص ۴۰). پیرفون مایس^۱ به نقش آستانه در معماری با توجه به نقش عملکردی، حفاظتی و معناشناختی پرداخته و آرای بوتگر^۲ در باب ارتباط با مفهوم آستانه و محدوده تعریف آستانه در مقام یک فضا را دنبال می‌کند. آرنهایم^۳ در دو کتاب خود (پویه‌شناسی صور معماری^۴ و قدرت مرکز)^۵ به مفاهیم حرکت و هدایت در معماری، مجراهای عبوری و مسئله انتقال پرداخته و معتقد است که این مجراهای عبور برای کاربران سرشار از معانی و همراه با نوعی قداستند؛ وی این قداست را از طریق نمادگرایی در محدوده نواحی انتقالی (مرزهای گذر) حیاتی می‌داند (آرنهایم، ۱۳۸۲ش، ص ۲۹۳).

کریستوفر الکساندر^۶ در مجموعه کتاب‌های سرشت نظم، ذیل اشاره به مفاهیم معماری، به مفهوم پیچیده و اصیل مرز و سلسله‌مراتب و تبدیل تدریجی یک مرکز به مرکز دیگر از طریق «کرانه‌های نرم» معتقد است.

برخلاف تصور عامه، آستانه‌ها فقط ورودی‌ها را شامل نمی‌شوند؛ بلکه طبق نظریات معماری، آستانه‌ها به غیر از ورودی‌ها، فضاهایی را که در انتقال از یک فضا به فضای دیگر نقش اساسی دارند نیز در برمی‌گیرند؛ به تعبیر بهتر آستانگی وضعیت انتقال (به جهت فیزیکی و حسی) است که در شخصیت مکانی از تجربه‌های پیشین و پسین خود، کاملاً متمایز است. این وضعیت انتقالی در معماری آستانه‌ها مبین مجموع اصول ثابت در سیر از ظاهر به باطن و از کالبد به محتواست و به صورت الگوهای آستانگی متفاوت قابل رؤیت است (ر.ک: دانشمند و

1. Pierre von Meiss.
2. Till Boettger.
3. Arnheim Rudolf.
4. The Dynamics of Architectural For.
5. The Power of The Center.
6. Christopher Alexander

دیگران، ۱۳۹۱ش، ص ۸۷). اهمیت چنین خوانش‌هایی در حوزه‌های میان‌رشته‌ای به ویژه تاریخ فرهنگی و معماری از آنجاست که معماری حاصل حضور فرهنگی انسان در مکانی است که به فضا تبدیل شده است و با سیر در آن فضا هستی، اندرون و ذات انسانی او تحت سیر کمالی یا قهقرایی قرار می‌گیرد.

ب) آستانگی در مناسک زیارت

مفهوم آستانگی را از منظر دینی - معرفتی می‌توان در برهه‌های تاریخ ادیان و در آیات کتاب‌های مقدس و قرآن کریم جست‌وجو کرد؛ مثلاً محتوای آیه «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى»^۱ بر مرتبت قدسی زمانی و مکانی آستانگی دلالت دارد که قرار است موسی عليه السلام با پروردگارش به گفت‌وگو درآید؛ پس باید در این آستان و حریم قدسی بدون کفش و با ادب و آداب وارد شود؛ همچنین پر و بال نگرفتن جبرئیل و عدم اجازه همراهی با حضرت ختمی مرتبت ص به مراتب بالاتر عرش الهی در جریان معراج^۲ تا آداب زیارت حرم معصومین و امامزادگان عليهم السلام، همه با پیشینه‌ای تمدنی برحضور همراه با ادب و مراتب بر آستانه‌ای مقدس (از باری تعالی تا شخصیتی مقدس) تأکید و توجه دارند. حریم کعبه نیز از جمله سرزمین‌های مقدسی است که حریم و حرمت دارد و کسی که بر آن آستان سر می‌نهد، باید مُحَرَم شود^۳ تا مُحَرَم گردد.

حریم و حرمت داشتن و برخوردار بودن از درجات رفعت و شرافت زمان یا مکان مقدس، در وادی شهود (دنیا) و نیز عالم غیب (جهان آخرت) برقرار است؛ آنجا که بهشتیان به آستانه جنة المأوا وارد می‌شوند و به آنها می‌گویند: «أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينِينَ»^۴. نسبت وجودی زائر با برخی زیارتگاه‌های مقدس تا

۱. «این منم پروردگار تو پای‌پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی» (طه: ۱۲)

۲. سدره‌المتهی: جایی که جبرئیل و فرشتگان را به ساحت ربوبی بالاتر از آن راهی نیست. (نجم: ۱۴)

۳. آداب و مناسک خاص حج تمتع یا حج عمره را انجام دهد.

۴. «به آنان خطاب می‌شود» با سلامت و امنیت [به باغ‌ها] وارد شوید» (حجر: ۴۶)

بدان جاست که در روایات اسلامی گونه‌ای توطن معنوی برای مسجدالحرام (خانه الوهیت)، مسجدالنبی (خانه نبوت)، مسجد کوفه (خانه امامت) و حائر حسینی (خانه شهادت) در نظر گرفته شده^۱ است و بنا بر فتوای بسیاری از فقها نماز در این سرزمین‌های مقدس به صورت تمام جایز است.

برای شناخت مراتب آستانگی در زیارت باید توجه داشت که زائر با اتمام هر مرحله از مناسک زیارت به مفهوم دقیق آستانگی، به مرحله‌ای دیگر ورود می‌کند؛ یعنی هر اتمام، متصل به آغازی و هر ورود و اقدامی، متصل به مرحله کمال و اتمام است و در همه مراحل (نیت، غسل، سلام، اذن دخول، عتبه‌بوسی، زیارتنامه‌خوانی و نماز زیارت) می‌توان چنین معنامندی را پیگیری کرد؛ به عبارت دیگر همگام با آستانگی زیارت و به محضر امام رسیدن، با انجام سلسله آداب تشریف - از مداخل حرم تا گنبدخانه و مضجع که هر بار با دعا و ذکر، توجه، نماز و معرفتی عجیب است - قلب و روح زائر آماده تقرّب بیشتر به امام و فیوضات معنوی می‌شود. (قمی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۴۵-۵۵۱؛ همچنین ر.ک: ابرقویی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۱ و ۴۲)

تحلیل آستانگی زیارت منوط به بازشناسی سلسله‌مراتب و آداب تشریف در زیارت و به قرار زیر است.

یک - آداب پیشین و آغازین زیارت:

آداب پیشین عبارت است از: نیت زیارت، حلالیت طلبیدن، غسل زیارت در وطن و پیش از سفر، ترک کلام بیهوده و مجادله.

آداب آغازین عبارت است از: شروع سفر زیارت، گرد سفر را دور کردن، غسل زیارت قبل از رفتن به حرم، طهارت داشتن، پوشیدن جامه پاکیزه و نو (سپید بهتر است)، معطر کردن،^۲ سلام و اذن دخول و بوسیدن عتبه عالیه و

۱. این عبارات از حجت‌الاسلام قرائتی وام گرفته شده است. (ر.ک: چرا نماز مسافر در حرم حسینی ﷺ کامل است؟ (<https://www.yjc.news/fa/news/>))

۲. به جز زیارت سیدالشهداء که سفارش شده زیارتشان بدون معطر شدن، همراه حزن، به صورت غبارآلوده، گرسنه و تشنه باشد که آن حضرت چنین شهید شدند. (قمی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۴۵ و ۷۳۰)

آستانه مبارکه که به نقل از شهید اول علیه السلام بهتر است زائر بر در حرم، به نیت شکرانه خداوند که توفیق زیارت و حضور در این مکان مقدس را به او داده، سجده به جا آورد (ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴)؛ همچنین سعی زائر در رقت قلب و خضوع و... (قمی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۴۷-۵۴۵)؛ که همه به مثابه آمادگی برای زیارت و معادل مرحله پیش‌آستانگی در معماری زیارت است.

دو - آداب حین زیارت: با تأنی و احترام راه رفتن، ذکر گفتن و توجه وجودی و معرفتی مدام به صاحب حرم، عتبه‌بوسی در گذر از مداخل و شبستان‌ها تا حرم و مضجع شریف، مقدم داشتن پای راست هنگام ورود به حرم و مقدم داشتن پای چپ هنگام خروج، بر لب داشتن ذکر و دعا (قمی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۴۵-۵۴۷).

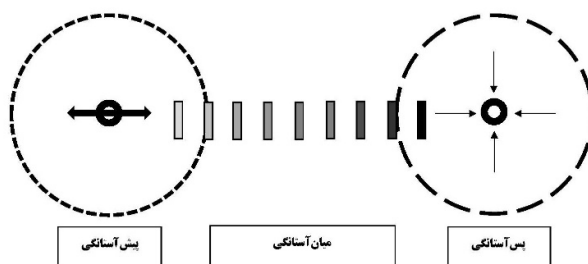
سه - آداب نهایی زیارت: زیارت‌نامه‌خوانی (ادعیه و زیارت مأثور)، توجه به مضجع شریف، خواندن نماز زیارت و زیارت وداع که هنگام خداحافظی زائر با امام به طلب قبولی زیارت و دعا برای توفیق دوباره شرفیابی و زیارت مجدد خوانده می‌شود.

این منظر و تقسیم‌بندی آداب تشرّف زیارت واسطی مهم برای بررسی معنای «آستانگی در معماری زیارت» است.

ج) پیش‌آستانگی در معماری زیارت^۱

«پیش‌آستانگی» در معماری زیارت، یعنی آغاز و ابتدای زیارت با آماده شدن و نیت کردن برای تأنی و گذار از بیرونی‌ترین و دورترین مرزهای حریم حرم و اندک‌اندک، وارد شدن به قلب حرم و درونی‌ترین مرزهای حریم درون.

۱. منبع ادعیه زیارت، مفاتیح الجنان است. (قمی، ۱۳۸۹ش، باب سوم، ص ۵۳۹-۵۵۲)

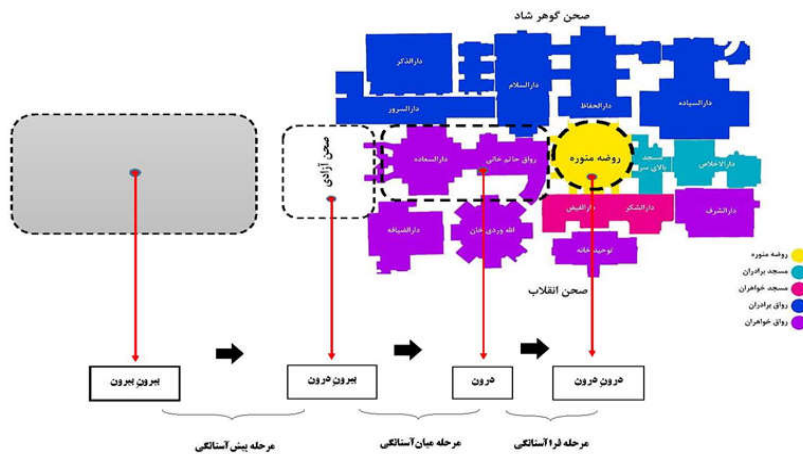


(تصویرش ۲) دیاگرام مراحل آستانگی از آغاز تا انجام

بدین ترتیب سلسله‌مراحل تشریف به حرم رضوی علیه السلام بر اساس فضا‌بندی و از منظر کلی به چهار فضای بیرون بیرون: از مبدأ زائر تا مقصد (مشهد و نزدیکی حرم)؛ بیرون درون (مداخل و ورودی صحن‌ها و آغازگاه زیارت)؛ درون (ایوان‌ها، رواق‌های حرم شریف) و درون درون (مضجع شریف و گنبدخانه) تقسیم می‌شود؛ یعنی دور شدن زائر از شهر مبدأ و دیار و منزلش (با نیت قلبی و طهارت) تا ورود به آغازگاه شهر زیارتی^۱ و درون شهر و سپس حضور زائر در مدخل ورودی حرم و انجام دادن آغازین مناسک زیارتی با سلام دادن و اذن دخول و عتبه‌بوسی. این نحوه آمادگی، نیت و حضور زائر در مبادی زیارتگاه را از مبدأ تا مقصد و درگاه حرم، مرحله پیش آستانگی می‌نامیم که نوعی آمادگی ورود به مرحله «میان آستانگی در معماری زیارت» است. بدین معنا میان آستانگی در معماری زیارت، همان مکان‌های معمارانه گذار و وقوف زائر در فضای صحن‌ها، ایوان‌ها، رواق‌ها و شبستان‌هاست که با تأکید بر موجودیت آستان‌ها (درب‌ها و دالان‌ها و مداخل و معابر) همراه با ذکر و نماز و دعا و خواندن زیارتنامه رقم می‌خورد.

۱. متون کهن و سفرنامه‌ها، هشت مسیر منتهی به مشهدالرضا علیه السلام معروف به تپه سلام را گزارش می‌دهند (از آن هشت مسیر، فقط روستایی به نام تپه سلام باقی مانده است)؛ تپه سلام‌ها آخرین بلندی مرتفع و طبیعی راه زیارت و مُشرف بر شهر مشهد بودند که کتیبه‌ای سنگی با مضمون سلام بر امام در آنجا نصب بود. رسم «گنبدنما» با دادن شیرینی و مبلغی به راننده یا حمله‌دار به دلیل خبرخوش رسیدن و دیدن گنبد حرم برقرار بوده است. (ر.ک: خبرگزاری فارس، کلدخبر: ۷۰۰۰۵/خ ۴۰/۱۰۰۰۵؛ ایسنا: کلدخبر: ۹۷۰۴۳۱۱۷۰۰۲)

«میان‌آستانگی» در معماری زیارت از سویی حلقه وصل مرحله پیش‌آستانگی به فراآستانگی و از سوی دیگر، آستانه و آغازگاهی برای آمادگی وصول زائر به مرحله نهایی و فراآستانگی است؛ یعنی حضور زائر در مضجع شریف و زیرگنبدخانه و انجام آداب نهایی زیارت (زیارت‌نامه‌خوانی، ادای نماز زیارت و انجام دادن اعمال زیارت وداع در آخرین زیارت)؛ بنابراین میان آستانگی حلقه میانی اتصال به مقاصد زیارت و زیارتگاه است.



(تصویر ش ۳): تطبیق دیگرام مراحل آستانگی با پلان معماری حرم رضوی علیه السلام

از معانی مهم آستانگی در ساحت معماری، نقش‌های سه‌گانه آستانه‌ها و وجوه معناشناختی، عملکردی و حفاظتی آنهاست. (فون مایس، ۱۳۹۲ش، ص ۱۸۱). در ادامه ترکیب وجوه معناشناختی و محافظتی زیارت و معماری آستانگی، با بررسی دو مؤلفه مهم و مشترک «دعوت‌شدگی و محرمیت» در زیارت و معماری و تأثیر عملکردی کیفیت سنت زیارت را بر فرم و کمیت معماری زیارتگاه بیان می‌کنیم تا پاسخ نهایی به پرسش این مقاله فراهم آید.

پیش‌آستانگی در معماری زیارت با هویت معنایی اذن دخول و آداب پیش‌آستانگی در زیارت تناسب معناداری دارد. جزءهای آغازین فضای ورودی «درگاه»، «جلو‌خان» و «پیش‌طاق» در معماری زیارتگاه فضاهای وسیع و

بزرگی‌اند که از اهداف طراحی‌شان «اهمیت بخشیدن به فضای ورودی بنا و تمایز بهتر آن از فضای معبر یا میدان» [درباره حرم رضوی تمایز با بازار و وجوه دیگر شهری] بوده است که به عنوان فضای ورودی برای وقوف و تجمع استفاده می‌شوند. (ر.ک: سلطان‌زاده، ۱۳۸۶ش، ص ۵۱). این توجه، تأمل و تجمع در عین اهمیت بخشیدن به فضای ورودی با آداب پیش‌آستانگی زیارت (سلام و اذن دخول) همخوانی بیشتری دارد. این اهمیت زمانی بیشتر می‌شود که حس دعوت‌کنندگی (Sence of invitation) نیز به فرم و معنای بنا اضافه شود.

نکته مهم آنکه در تحقیقات معماری‌زیبایی‌شناسی ورودی، تنوع فرم و مصالح در دیواره‌ها و کفسازی، به‌سازی و بهبود ابنیه فرسوده، نوسازی و توسعه مجموعه بنا و فضای ورودی، عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت حس دعوت‌شدگی فضاهای ورودی برای کاربران به شمار می‌رود. (معینی‌فر و شجاعی، ۱۳۹۴ش، ص ۵۶). حال آنکه در معماری آیینی و فضای ورودی زیارتگاه علاوه بر مصادیق فوق، ورودی محلی برای تجمع زائران - با توجه به مضامین اذن دخول - مکانی برای توجه، تأمل معنوی و فضایی برای ارتقای حس دعوت‌شدگی است.

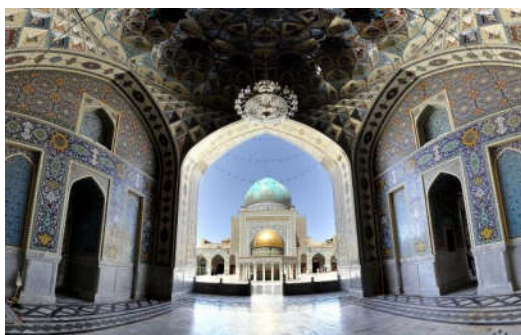
تعبیر «طلبیده شدن» در ذهنیت عامه و فولکلور زیارت، این حس دعوت‌شدگی را از مرحله نیت زیارت تا کنش‌مندی حضور زائر در حرم روشن می‌سازد. «طلبیده شدن» به معنای خواننده شدن،^۱ به معنای دعوت و فراخواندن زائر از سوی امام، همراه با فراهم آمدن همه مقدمات مادی و معنوی سفر زیارتی است.^۲ دعوتی و رای هرگونه دعوت. دعوتی که با فراخوانده شدن زائر به محضر امام و سفر و وقوف او بر درگاه حرم محقق شده، گویی زائر با خوش‌آمدگویی صاحب‌خانه و امامش روبه‌رو شده و اینچنین ادراکش از حس

۱. مصدر بر ساخته‌ای از طلب. (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه طلبیده).

۲. آماده شدن شرایط از همه جهات (مادی و معنوی) به ویژه وقتی این مقدمات به یکباره و بدون زحمت برای زائر جور شود.

دعوت‌شدگی‌اش ارتقا می‌یابد. این دعوت‌شدگی در کیفیت تحذب‌مانند در ورودی می‌تواند حالتی پس‌زننده به دیدارکننده القا کند و در مقابل، کیفیت تقعرمانند مداخل می‌تواند دیدارکننده را پذیرا باشد و به او خوش‌آمدگویی کند. (ر.ک: گروتز، ۱۳۸۸ش، ص ۲۵۲)

در ورودی حرم‌ها، به ویژه مداخلی که در قرن‌های پیشین تعبیه شده‌اند، به شکل هشتی مقعرمانندی باز می‌شود و دقیقاً به همین دلیل گشودگی و به تعبیر گروتز «خوش‌آمدگویی» به بهترین نحو ممکن در مداخل ورودی و منتهی به صحن‌ها و ایوان‌ها شکل گرفته است.



(تصویر ش ۴) - ورودی و مدخل صحن قدس در حرم رضوی



(تصویر ش ۵) - ورودی و مدخل صحن قدس در حرم رضوی

۱. منبع: پرتال جامع رضوی، عکس از محمد زائرنیا.

این دعوت‌شدگی در شعایر، سنت‌های مأثور و غیر مأثور به جهت معنا و فرم معماری به درستی محاسبه شده است. درگاه مکان‌های مقدسی چون حرم و مدفن مقدسین الهی، بیش از هر درگاهی معنای دعوت‌شدگی را به همراه دارند. این دعوت‌شدگی با تأکیدات معمارانه‌ای - چون: سردرها و ایوان‌های بلند (در حدود ۲۱ متر ارتفاع)، پنجره‌ها و منافذ مزین و تزئینات کاشی‌کاری، طلاکاری و آینه‌کاری محرابی‌شکل و شعاع‌مانند، مقرنس‌کاری و شمشه‌کاری‌های سقف ایوان‌ها و جلوخان‌ها، درهای بازشونده دو لته‌ای بلند در میانه ایوان با کتیبه‌های دینی و شعر و ادعیه، درهایی که به صورت هشتی‌هایی مقعرمانند که هم به جهت فرم و کالبد و هم معنای ادعیه و اشعار زائر را به سمت گنبد و بارگاه و قلب حرم دعوت کرده- زائر را برای انجام زیارت سمت مضجع و مرقد راهنمایی می‌کند.

زائر در پس‌گذار از شهر و روزمرگی‌های خود، بر کرانه درگاه حرم (خانه و دری از خانه‌ها و ابواب پیامبر ﷺ) به نشانه احترام و ادب، با دستی بر سینه و حالت خضوع در ایستادن، بر این «دعوت‌شدگی» صحه می‌گذارد و عبارات اذن دخول را می‌خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ...»، گویی زائر در حال وقوف بر در زیارتگاه و مقام پیش‌آستانگی، با تواضع به محضر امامش با تمام وجود اقرار می‌کند که بر در خانه‌ای ایستاده است که هیچ کس بدون اذن و اجازه به اندرونش راه ندارد؛ ایستادن هم برای احترام و تأنی نسبت به مزور است و هم برای آمادگی زائر تا با درک بهتر، دیگر مراتب را طی کند؛ چراکه این وقوف خشوع، خضوع و طمأنینه‌ای که در روایات تأکید شده و همچنین در سنت زیارت مأثور معصومین علیهم‌السلام از مزار دیگر امامان شیعه وجود داشته را به نیکی یادآور می‌شود. همان‌طور که ابن طاووس، در کتاب *الفرحة* در حدیثی

۱. منبع: پرتال جامع رضوی، عکس از محمد زائرینیا.

مفصل از صفوان جمّال نقل می‌کند که وقتی ابوجعفر منصور (مشهور به منصور دوانیقی، دومین خلیفه عباسی) امام جعفر صادق علیه السلام را به کوفه فراخواند، در راه کوفه امام فرمود: «يا صفوانُ إنَّخِ الرَّاحِلَةَ فَهَذَا حَرَمٌ جَدِّي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام»؛ «ای صفوان، شتر را بخوابان؛ زیرا اینجا حرم جدم امیر مؤمنان علیه السلام است». امام از شتر پیاده شدند؛ غسل کردند و لباس‌هایشان را عوض کردند. سپس امام به صفوان فرمود: «إِفْعَلْ مِثْلَ مَا أَفْعَلُهُ»؛ «همان کاری را انجام بده که من انجام می‌دهم» سپس فرمودند: «قَصِّرْ حَطَاكَ وَ أَلْتَقِ ذَنْكَ إِلَى الْأَرْضِ»؛ «گام‌هایت را آهسته بردار و چانه‌ات را به سمت زمین متمایل کن [به معنای پایین افتادن سر به نشانه خضوع و تکریم]». صفوان نقل می‌کند که همراه امام به سوی مرقد امیرالمؤمنین راه می‌رفت، درحالی‌که امام با اُبْهت و متانت مشغول ذکر و تسبیح و لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفتن بود تا به ذکوات (نام کهن محل مدفن امام علی علیه السلام) رسیدند... (ر.ک: قمی، ۱۳۸۹ش، ص ۶۲۴؛ حر عاملی ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۳؛ فرطوسی، بی تا، ص ۱۹۶ تا ۱۹۸).

کالبد معماری، وجود درها، مدخل‌ها، صحن‌ها، راهروها و بازشونده‌های متعدد به هشتی‌ها تا ایوان‌ها و مداخل رواق‌ها، که در چهار طرف حرم متمرکز شده‌اند، خود تأکیدی کالبدی و معمارانه برخوانش صحیح ادعیه زیارت و سنت وقوف و راه رفتن با طمأنینه و وقار و متانت زائر است؛ گو آنکه به نظر می‌رسد، تعبیه شدن این تعداد مدخل و بازشونده، خود راهکاری عملی و تأکیدی بر طولانی شدن این حس دعوت‌شدگی و محرمیت است که همراه آن احساس معنوی حاصل از خواندن اذکار و ادعیه توأم با طمأنینه و تأنی و خضوع و خشوع است.

در ادمه اذن دخول می‌خوانیم: «وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾^۱». در طول تاریخ همواره

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌های (اتاق‌های) پیامبر داخل نشوید، مگر آنکه اذنتان دهند».

بر در عمارت‌ها و کاخ‌های سلاطین، کلیدداران و حاجبانی‌اند که به نشانه تشریفات، با مراتب و آداب خاص به ملاقات‌کنندگان، اذن ورود به محضرسلطان را می‌دهند؛ اما در حرم اهل بیت علیهم‌السلام که به تعبیر ادعیه، خانه الهی است، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فرشتگان الهی کسب اجازه می‌شود. در این بیت الهی به جای تشریفات و تجمّلات، معنویت، تقدّس و محرمیت جریان دارد، محرمیتی که با معماری ایرانی - اسلامی و معنای خانه عجین شده است.

از گذشته‌های دور «محرمیت» اصلی مهم در معماری ایرانی بوده است که در دیگر فرهنگ‌ها نیز تا حدودی قابل دسترسی است؛ اما اوج شکوفایی آن را باید در معماری پس از اسلام جست‌وجو کرد. (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶ش، ص ۳-۱۴) سرمنشأ توجه به اصل محرمیت در معماری ایرانی - اسلامی با تأکیدات تراث دینی، به ویژه قرآن کریم، مرتبط است؛^۱ خداوند در آیه ۱۸۹ سوره بقره، طراحی خانه‌ها را مستلزم داشتن حریم امن و دور از هرگونه مزاحمت هم‌جواری، و با ورودی‌های مشخص توصیه کرده است. (نقره‌کار، ۱۳۸۷ش، ص ۵۰۶) پس در هر خانه‌ای که محرمیت و امنیتی جریان دارد، معنای آستانگی به منظور کسب اجازه ورود با وقوف بر درگاه و اذن دخول برقرار است؛ حال چه برسد به خانه‌ای که خانه اولاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و فرشتگان حضور دارند^۲ و صاحب‌خانه‌اش، امام معصوم علیه‌السلام - صاحب حریم، حرمت و کرامت - است؛ صاحب مشهدی شریف که به حکم شریعت هیچ ناپاک و بیگانه‌ای به حریمش راه ندارد و در عین حال همچون رابطه پدر و مادر با فرزندان که هم حریم وجود دارد و هم محرمیت و همدلی؛ در عین حرمت گشودگی و محرمیت سریان دارد.

۱. «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» نیکو نیست که از پشت خانه‌ها بدان وارد شوید؛ بلکه نیکوکار کسی است که پرهیزکاری کند و از در خانه‌ها بدان درآید.

(بقره: ۱۸۹)

۲. «وَالْمَلَائِكَةُ الْمُسَوِّمَاتُ، بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ» «و فرشتگانی گماشته بر در آن بقعه و بارگاه مقدس ایستاده‌اند».

به تعبیر امام رضا علیه السلام: «امام همچون همدمی دلسوز، پدری مهربان و برادری همدل (وفادار) و مادری مهربان [و پُرشفقت] نسبت به فرزندی کوچکش است»^۱. وقتی این محرمیت قلبی و عینی در زیارتگاه با مجموعه آداب زیارت، در آن فضای قدسی و آیینی عجیب شود، معجونی بی‌بدیل می‌شود.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي عَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

خدایا من احترام (حُرمت) صاحب این زیارتگاه شریف را در غیابش باور دارم؛ همان‌طور که در حضورش باور دارم؛ اینکه رسول و جانشینان نزد تو زنده‌اند.

این حریم الهی و حرمت و احترامی که در سرتاسر اذن دخول بیان می‌شود، حریم و حرمتی از پس معرفت و ایمان است که زائر با خواندن تعابیر اذن دخول بر آن صحنه می‌گذارد؛ زائر می‌داند که در «خانه» و محضر و آستان امامی ایستاده که جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله زنده و بینا و شنواست. حرم و مشهد کسی که در عالم غیب و شهادت ناظر و آگاه به حال اوست و اعتقاد دارد که امامانش چنین هستند:

أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، بَرُونَ مَقَامِي، وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي وَأَنْتَ حَبِيبَتِي عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَدِيدِ مُنَاجَاتِهِمْ.

روزی داده می‌شوند، محل ایستادنش را می‌بینند، سخنش را می‌شنوند و به سلامش پاسخ می‌دهند [در ادامه زائر خطاب به پروردگار می‌گوید:] تو گوشم را از شنیدن کلامشان در پرده قرار داده‌ای و درب فهمم را به چشیدن لذت مناجاتشان باز کرده‌ای.

بدین ترتیب زائر با رعایت سلسله‌مراتبی از ساحت خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس امام علیه السلام برای راه‌یابی از بیرون به اندرون حرم و گذر از مرحله پیش‌آستانگی به میان‌آستانگی کسب اجازه ورود می‌گیرد: «وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ

۱. «الْإِمَامُ الْأَبِي سُبَيْحَةَ الرَّفِيقِ، وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ، وَالْأَخُ الشَّقِيقُ، وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الضَّغِيرِ». (عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۹)

أُولَا، وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُوْلَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَانِيَا، وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيْفَتَكَ الْإِمَامَ الْمُرُوْضَ عَلِيَّ طَاعَتُهُ». سپس زائر عتبه مبارکه را می‌بوسد، به حرم وارد می‌شود و می‌گوید:

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللّٰهِ، وَ فِي سَبِيْلِ اللهِ، وَ عَلَيَّ مِلَّةَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَ ارْحَمْنِيْ، وَ تُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ.

به نام خدا و به خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا ﷺ خدایا مرا بیامرز و به من رحم کن و توبه‌ام را بپذیر، زیرا تویی بسیار توبه پذیر مهربان.

نکته حائز اهمیت آنکه زائر برای خودشناسی (بُعد معرفتی) در حالی بر آستان و درگاه حرم ایستاده که وقتی در دل به انواع گناهان و خواهش‌های نفسانی‌اش می‌نگرد، تاب آن ندارد که چنین به پیشگاه امامش برسد؛ امام‌حی، معصوم، بی‌نا و شنوایی که بر همه آن نواقص، قصور، تقصیرها آگاهی کامل دارد و باز هم او را به حضور طلبیده و «دعوت» کرده است. بدین ترتیب و به شیوه‌ای دیگر بر مفهوم محرمیت، همدلی، احساس و ارادت خاص و قلبی بین امام و زائرش تأکید می‌شود.

این ادب و آداب تشرف، محرمیت، ارتباط حسی – وجودی و دل‌آگاهی خاص و خالص برآمده از آستانه معرفتی و ایمانی بر آستان‌های حسی – عاطفی زائر تأثیر بسزایی می‌گذارد. تأثیری که به تعبیر ادعیه اذن دخول «حتی باب فهم و چشیدن لذت مناجات با ایشان را نیز خداوند برای زائر باز کرده است»؛ پس وجود او از این توفیق و درک قلبی و احساسی سرشار و لرزان شده، چشمانش اشکبار می‌شود.

مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله در آداب زیارت در تحلیل این مقام، مؤیدی دارند که بیانش خالی از لطف نیست؛ ایشان در آداب زیارت بر این لطف و محبت امام و احساس حرمت و در عین حال محرمیت زائر با امام می‌نویسد:

بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن، به تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور، و اینکه می‌بیند ایستادن او (زائر) را و می‌شنود کلام او

را و جواب می‌دهد سلام او را؛ چنان‌که به همه اینها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبیر در محبت و لطفی که به شیعیان و زائرین خود دارند و تأمل در خرابی‌های حال خود و خلاف‌ها که با آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی‌حده (احکام و شرایی) که از ایشان نشنیده، و آزارها و اذیت‌ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده [رسانده] که برگشت آن به آزردهن ایشان است و اگر به راستی در خود نگردد، قدم‌هایش از رفتن بازایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است... (ر.ک: قمی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۴۶)

پیش‌تر گفتیم به تبع ادراک آستانگی در حیطه زمان، مکان، احساس و مذهب به نوعی آستانگی در رفتار نیز ایجاد شده است. هرچقدر ساحت‌های آستانگی بیشتر تحریک شوند؛ احتمال کنش قوی‌تری در آستانگی رفتار را باید انتظار کشید. سنت زیارت و رعایت آداب تشرّف، به طور طبیعی برای زائر «انقلاب روحی» پیش می‌آورد. او خود را در «محضر» صاحب مزار حس می‌کند و اینچنین خشوع قلبی برایش پدیدار می‌شود. (ر.ک: محدثی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲)

مرحله پیش‌آستانگی و آمادگی در زیارت آنچنان مهم و بر روح زیارت و آداب آن تأثیرگذار است که شهید اول در این باره می‌نویسند:

[می‌بایست] زائر بر درگاه حرم بایستد؛ دعا کند و اذن بطلبد و اگر [در این حال] در دل خود، خشوعی احساس کرد و رقت قلبی حاصل شد، وارد شود و گرنه بهتر است که برای ورود، زمان دیگری را انتخاب کند که رقت قلب و خشوعی حاصل شده باشد. (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳)^۱

مرکز ثقل آداب زیارت «ادب حضور» است؛ در این مرحله است که زائر

۱. همچنین علامه مجلسی به نقل از شهید اول این مطلب را در بحار الانوار ذکر کرده‌اند. (ر.ک: ۱۳۶۸، ج ۹۷، ص ۱۲۶).

گویی به شکرانه زیارت و قبول شدن اذن دخول و آغاز زیارت، به یکی دیگر از آداب زیارت، یعنی «عتبه‌بوسی»^۱ عمل می‌کند. شهید اول یکی از آداب زیارت را بوسیدن درگاه (عتبه‌بوسی) دانسته، ولی می‌افزاید که دلیل و مستندی بر استحباب شرعی آن نداریم؛ ولی سجود برای خدا و به عنوان شکر الهی بر توفیق زیارت مانعی ندارد. (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴ و ۲۵) البته باید توجه داشت که بوسیدن زمین و درگاه حرم‌ها برای ادای شکر و احترام، به عنوان سجده بر امام تلقی نشود و بهانه‌ای به دست مخالفان نیفتد که بگویند شیعیان در پیشگاه امامان خود سجده می‌کنند؛ درحالی‌که سجده بر غیر خدا جایز نیست. (محدثی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۲)

ابن بطوطه در جریان سفرهای خود از زیارت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نجف اشرف، به عتبه‌بوسی در درگاه ورودی و مدخل حرم اشاره کرده، می‌نویسد:
...زائران از باب حضرت وارد مدرسه بزرگی می‌شوند که طلاب و عارفان شیعه درش سکونت دارند؛^۲ از مدرسه وارد باب‌القبه می‌شوند. حاجبان و تقیبان و سرای‌داران در این محل مراقب زوارند و چون کسی برای زیارت وارد می‌شود به نسبت وضع و مقام او همگی آن جماعت یا یکی از آنها بلند می‌شوند و با او در آستانه حرم می‌ایستند و اذن دخول می‌خواهند، سپس اشارت می‌کنند که آستانه و دو طرف چهارچوبه در ورودی را ببوسند و داخل حرم بشوند... (ابن بطوطه، ۱۳۹۵ش، ج ۱، ص ۲۱۹ - ۲۲۰)

بدین ترتیب می‌بینیم که «پیش‌آستانگی»های تعبیه‌شده در کالبد معمارانه ورودی‌ها و مداخل، قدم به قدم و متناسب با آداب زیارت و حال زیارت‌زائر در مراتب پیش‌آستانگی زیارت (سلام، اذن دخول و عتبه‌بوسی) بر اتصال و

۱. «عتبه» به معنای درگاه و آستان است و عتبه‌بوسی کنایه از تشرف به زیارت پیشوایان معصوم علیهم السلام است؛ یکی از آداب زیارت بوسیدن درگاه حرم امامان است که نشانه شکرگزاری به درگاه خداوند و احترام و ادب نسبت به صاحب مزار است. (ر.ک: محدثی، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

۲. ابن بطوطه اشاره می‌کند: «در این مدرسه از هر مسافر تازه‌وارد تا سه روز پذیرایی می‌شود و هر روز دوبار غذایی مرکب از نان و گوشت و خرما به زائران می‌دهند». (ر.ک: ابن بطوطه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۲۰)

معنامندی آستانگی کالبد و معماری حرم با آیین زیارت دلالت می‌کند. نکته مهم آنکه در معماری ایرانی - اسلامی هرچه محرمیت یا تقدس یک فضا بیشتر باشد، تأکیدهای معمارانه بیشتری بر سلسله‌مراتب ورودی آن وجود دارد و حتی گاهی معمار به منظور تأثیر بر ادراک مخاطب، ورود به ابنیه را غیرمستقیم و طولانی‌تر طراحی می‌کرده است (ر.ک: رضایی ندوشن، ۱۳۹۸ش، ص ۸۲)؛ همانند خانه‌های تاریخی یزد، مسجد شیخ لطف‌الله یا مسجد شاه اصفهان، حرم امامان معصومین علیهم‌السلام و به ویژه حرم رضوی علیها‌السلام که خصصت‌های معماری ایرانی - اسلامی و توجه به آستانگی در آن طبق آداب تشرف و مناسک زیارت در مقیاسی طولانی‌تر و ممتد شکل گرفته و عمیقاً بر ادراک زائر تأثیر می‌گذارد.

محرمیت در معماری با سه اصل مهم «سلسله مراتب، درونگرایی و پیوند با طبیعت» (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶ش، ص ۷-۱۱) شکل می‌گیرد و این سه به خلاقانه‌ترین وجه ممکن در معماری حرم رضوی علیها‌السلام قابل شناسایی است. مطابق با تصویر شماره ۳، سلسله مراتب با وجود مراتب معنایی، کیفی، کالبدی و کمی معماری زیارت و درونگرایی نیز با وجود ساحت‌ها و مراتب آستانگی از بیرونی‌ترین بیرون (فضای شهری قبل از پیش آستانگی و مداخل) تا درونی‌ترین درون (مضجع شریف در زیرگنبدخانه) در مسیرهای زیارتی حرم با طی کردن صحن‌ها و رواق‌ها ظهور می‌کند.

به بهترین وجه ممکن طبیعت عینی و نمادین نیز در حرم جریان دارد؛ برخی از آنها عبارتند از: دسته‌های کبوتر، فضای سبز و طبیعت باغچه‌ها، گل‌ها و درخت‌ها (که در عکس‌های دوره قاجار و پهلوی به یادگار مانده‌اند)، دیوارهای آکنده از اسلیمی، گل و برگ، درخت و پرند‌های موجود بر کاشی‌ها (که یادآور بهشت ابدی است)، جوی‌های آب روان در میان صحن عتیق (که در مرمت‌های صحن حذف شده)، فواره‌ها و آبنماهای کنار باغچه‌های سرسبز و پرگل، آب‌های متبرک و مقدس سقاخانه اسماعیل طلا و سنگ‌آب‌های کهن و

تاریخی موجود در صحن‌ها (که اکنون در موزه رضوی قرار دارند)، زمین و خاک مقدس زیارتگاه با مهرهای ساخته شده از تربت عتبات و مشهد، تبرک جستن از خاک و غبار متعلق به حرم و تعبیر نمادین «خورشید هشتم» یا «آفتاب هشتمین» که به نشانه مضجع امام هشتم علیه السلام که قرن‌هاست در مشهد نورافشانی می‌کند و با این عبارت خوانده می‌شود.

در پایان «دعوت‌شدگی و محرمیت» حاصل از آداب و مناسک زیارت و حال‌زائر و تأثیر این آداب بر کالبد معماری زیارت، به بررسی سنت اجتماعی - تاریخی «بست و بست‌نشینی»^۱ و تأثیر عملکرد اجتماعات سنت‌های دینی بر معماری مداخل حرم می‌پردازیم؛ سنتی دیرینه که معنای محرمیت و حرمت را عینیت بخشیده، به بهترین وجه توانسته حرمت نهادن به مقام امام و محرمیت به معنای رازداری و پرده‌پوشی را با پناه بردن و پناهنده شدن به آغوش امن‌ترین آستان و حریم دنیا معنا ببخشد.

بست و بست‌نشینی از مصادیق کاربردی فضای پیش‌آستانگی در حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام با رویکرد محافظتی است؛ جایی که زائران و مجاوران از بیرون به اندرون پا گذاشته، با گذشتن از زنجیر ورودی واقع‌شده بر بست حرم، به نشانه گذار از ازدحام بیرون و پیوند با آرامش درون، خود را در امن‌ترین جای هستی یافته، به وجود امن و امین امام پناهنده می‌شوند. این معنامندی تاریخی بست، چنان وثیق است که بسیاری برای دور شدن از انواع مخاطرات و ناامنی‌های سیاسی - حکومتی (بگیر و ببند، زندانی شدن و ...) و احقاق حق به این صحن و سرا پناهنده می‌شدند. ریچاردز در *سفرنامه/ش می‌نویسد*: «کلمه بست در ایران از تحکم‌آمیزترین کلمات به شمار می‌رود و مفهوم آن که فرمان دنیای مسلمان به غیرمسلمان است، یعنی از اینجا پا فراتر نگذارید!». (ریچاردز، ۱۳۷۹ش، ص ۲۷۹-۲۸۰)

۱. پناهنده شدن به مشهدی مقدس یا عتبه‌ای از عتبات عالیات یا خانه مجتهدان و علمای بزرگ، پناه بردن به بست و متحصن شدن (*نعت‌نامه دهخدا*: ذیل بست).

آغاز «بست» معمولاً انتهای بازار و معبری بوده که به آستان و مدخل حرم منتهی می‌شده، دقیقاً در مرحله گذار از پیش‌آستانگی به میان‌آستانگی بوده است؛ یعنی بست‌ها فضاهایی بودند که مانع از ورود اغیار غیر مسلمان (اجنبی و بیگانه)^۱ به حریم قدسی حرم می‌شده است.^۲ این حرمت‌گذاری‌ها در محوطه پیرامونی حرم و به تعبیری «منطقه حائل» در ارتباط با حرم‌های شهرهای مقدس مشهد، قم و شهر ری بارها در سفرنامه‌های اروپاییان (ر.ک: دالمانی، ۱۳۳۵ش، ص ۶۲۲) گزارش شده‌اند. (ر.ک: عسکری، ناسخیان، ۱۳۹۸ش، ص ۲۷). طبق گزارش‌های موجود این حرمت‌گذاری در تاریخ زیارتگاه‌های ایران، چنان بود که معمولاً مردم و اُمرا در آستانه حرم با پای برهنه، بدون سلاح و با تعظیم کردن به حرم وارد می‌شدند (ر.ک: دالمانی، ۱۳۳۵ش، ص ۸۵۵)؛ گاهی به دلیل حمل اسلحه، فرد خاطی با جرایم سنگین یا محاکمه سختی چون اعدام روبه‌رو می‌شد. (اولثاریوس، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۶)

در معناشناسی اصطلاحی و بن‌مایه مفهومی گفتیم که آستانگی به نقطه آغازین، درگاه و در عین حال به وضعیتی میانی، در گذار و حیث وصلی اشاره دارد و به معنای تقرّب و نزدیک شدن به چیزی است. همچنین گفتیم در بن‌مایه لغوی زیارت نیز مفهوم روی‌گردانی از چیزهای دیگر و تقرّب جستن لحاظ شده است. نکته جالب توجه آنکه در کالبد معماری حرم و زیارتگاه و در مقام آستانگی (در نواحی انتقالی فضاهای ورودی، راهروها، جلوخان‌ها، هشتی‌ها و ایوان‌ها) علاوه بر برخوردارگی از دو بن‌مایه معنایی تقرّب با بهره‌مندی از مضامین بلند مناسک زیارت (در سلام، عتبه‌بوسی و اذن دخول) وضعیت تقرّب جسمی و جانی به سوی مقصد (سیر زیارت تا میان‌آستانگی و فرا آستانگی یا مضجع شریف) به خوبی جلوه‌گر می‌شود.

۱. به تعبیر ادبیات معمول ایرانیان در ادوار گذشته.

۲. در همه ادوار و اماکن مقدس، این ممنوعیت معمول نبوده، چنانچه در زمان فتحعلی‌شاه قاجار، فقدان ممنوعیت حضور بیگانگان، (فریزر، ۱۳۶۴ش، ص ۳۰۴) و از دوره ناصری به بعد، اجرای ممنوعیت در حرم رضوی علیه السلام مجدداً گزارش شده است. (ر.ک: عسکری و ناسخیان، ۱۳۹۸ش، ص ۲۶)

آرنه‌ایم معتقد بود که حرکت و هدایت، مجراهای عبوری و مسئله انتقال در معماری بسیار حائز اهمیت است و این مداخل عبور برای کاربران سرشار از معانی‌اند و معانی نیز با نوعی قداست همراهند و این قداست در محدوده نواحی انتقالی (مرزهای گذر) از طریق نمادگرایی، که امری حیاتی است، خود را نشان می‌دهند. (آرنه‌ایم، ۱۳۸۲ش، ص ۲۹۳) اگرچه وی درباره حیاتی بودن آنها چندان توضیحی نداده؛ اما در مجموعه حرم رضوی این حیاتی بودن به خوبی خود را با طراحی سلسله‌مراتب (ورودی‌ها، هشتی‌ها، حیاط‌ها و صحن‌ها، دالان‌ها، ایوان‌ها) همگام با آداب تشریف (زیارت) نشان می‌دهد.

با بهره بردن از معنامندی و قداست موجود در مقام آستان و در پیش‌آستانگی بودن در معماری و زیارت (دعوت‌شدگی و گشودگی، حس حرمت و محرمیت و محافظت) و تأکید بر این قداست با معانی نمادین در تزئینات معماری و کتیبه‌های منقش به آیات، ادعیه، اذکار و شعر به بهترین و مؤثرترین حالت، حرکت و هدایت زائر به سمت قلب معماری حرم و مضع شریف شکل می‌گیرد. بدین ترتیب پیش‌آستانگی در معماری به بهترین وجه ممکن توانسته با آداب و مناسک پیش‌آستانگی زیارت مرحله به مرحله عجین شود و معنای پیش‌آستانگی در معماری زیارت رقم می‌خورد.

نتیجه

سیرآستانگی در معماری زیارت از آستانه کالبدی و مصنوع - با تمام حیثیت وجودی مادی و فیزیکی که مرحله به مرحله قابل شناسایی است - با روح زیارت و عملکرد مناسکی که در آن دمیده می‌شود به آستانه‌ای معنامند برای رسیدن به مراتب معنوی تبدیل می‌شود؛ یعنی گذار از آستانه‌های معماری زیارت، به واقع سیر و سلوکی است از معنامندی سنت زیارت تا معنامندی و عملکرد تعینات مادی و کالبدی فضا در معماری زیارتگاه.

بدین ترتیب در این مقاله تطبیق کیفیتی از سنت زیارت با کمیتی از معماری

ارائه شد؛ یعنی از سویی مطابق با معنامندی آیین زیارت: با مفاهیم قدسی و معرفتی، محرمیت و حرمت نهادن به مقام امام، مراتب اذن‌گیری و زنجیره متصل سلسله آداب، مناسک و آیین‌های زیارتگاه شاهد زنجیره‌های متوالی از فضاهای معمارانه و به عبارتی سلسله مراتب تشرّف ورود هستیم و از سوی دیگر در طول چهارده قرن، متناظر با مراحل آماده‌سازی زائر با توجه به پیش‌آستانگی زیارت که کیفیتی: حسی، روحی، معرفتی - قلبی و زبانی دارد؛ به جهت کمّیتی و نیازهای عملکردی چشم‌انداز و منظری معمارانه با تأکید بر مفهوم پیش‌آستانگی معماری ایجاد شده است. این تناظر و تطابق توانسته با زنجیره و توالی فضاهای معماری و ایجاد مفصل‌بندی و پیکره‌بندی معنادار بر ورودی‌ها و مداخل، راهروها و صحن‌ها و دیگر مراتب آستانگی تا مرکز حرم رضوی علیه السلام و گنبدخانه آستانگی در معماری زیارت را رقم بزند.

منابع

قرآن کریم

۱. آرنه‌ایم، رودولف (۱۳۸۲ش)، پویه‌شناسی صور معماری، مترجم: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، سمت، چ اول.
۲. آنه، کلود (۱۳۷۰ش)، سفرنامه کلود آنه، مترجم: فضل‌الله جلوه، تهران، نشر روایت، چ اول.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۹۵ش)، سفرنامه ابن بطوطه: تحفة الانصار فی غرایب الامصار، مترجم: محمدعلی موحد، تهران، نشر کارنامه، ج ۲، چ ۱.
۴. ابن فارس، احمد ابن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمدهارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۶ مجلد، ج ۳.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵ش)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، دار بیروت، ۱۵ مجلد، ج ۷، نسخه ۴.

۶. اسماعیلیان، سحر و رنجبر، احسان (۱۳۹۲ش)، «بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضای عمومی شهری»، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ش ۱۱، پاییز و زمستان، ص ۱۸۱-۱۹۴.
۷. اولثاریوس، آدام (۱۳۸۵ش)، سفرنامه آدام اولثاریوس، مترجم: احمد به‌پور، تهران، ابتکارنو، چ اول.
۸. باشلار، گاستون (۱۳۹۲ش)، بوئیقای فضا، مترجم: مریم کمالی و محمد شیریچه، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چ ۱.
۹. البستانی، بطرس (۱۹۷۱م)، محیط المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۹ مجلد، ج ۶.
۱۰. ترنر، ویکتور و ترنر، ادیث (۱۴۰۰ش)، رویکرد فرایندی به فرهنگ: نظریه انسان‌شناختی ویکتور ترنر، مترجم: مریم آقازاده، و دیگران، تهران، تیسسا ساغر مهر، چ ۱.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البتین، لإحياء التراث، ج ۱۴، چ ۲.

۱۲. دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵ش)،
سفرنامه از خراسان تا بختیاری،
مترجم: علی محمدفر هوشی، تهران،
مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، چ ۱.
۱۳. دانشمند، سارا و نقره‌کار، عبدالحمید
(۱۳۹۱ش)، «چگونگی طراحی
ورودی بنا با توجه به اصول شکل‌گیری
معماری آستانگی»، فصلنامه مطالعات
شهر ایرانی - اسلامی، ش ۹، پاییز،
ص ۷۹-۹۰.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد
(۱۳۷۴ش)، مفردات الفاظ قرآن
کریم، مترجم: غلامرضا خسروی
حسینی، تهران، نشر مرتضوی، چ ۲.
۱۵. رضایی ندوشن، محمد و دیگران
(۱۳۹۸ش)، «سیر تحول حرم
حضرت معصومه علیها السلام با تأکید بر
سلسله مراتب ورود (تشریف) از
دوره صفوی تا دوره قاجار»،
دوفصلنامه مطالعات معماری
ایران، ش ۱۶، پاییز و زمستان،
ص ۸۱-۱۰۴.
۱۶. ریچاردز، فرد ردیک چارلز
(۱۳۷۹ش)، سفرنامه فرد ریچاردز،
مترجم: مهین دخت صبا، تهران،
انتشارات علمی فرهنگی، چ ۲.
۱۷. سلطانزاده، حسین (۱۳۸۶ش)،
فضاهای ورودی در معماری سنتی
ایران، تهران، پژوهش‌های فرهنگی،
چ ۱.
۱۸. سیاح، احمد (۱۳۷۷)، فرهنگ بزرگ
جامع‌نویس، تهران، اسلام.
۱۹. سیفیان، محمدکاظم و محمدرضا
محمودی (۱۳۸۶ش)، «محرمیت در
معماری سنتی ایران»، هویت شهر،
دوره ۱، ش ۱، ص ۳-۱۳.
۲۰. شولتز، نوربرگ (۱۳۹۳ش)، معماری:
معنا و مکان، مترجم: ویلا نوروز
برازجانی، تهران، پرهام نقش، چ ۱.
۲۱. شهید اول، محمد بن مکی
(۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی
فقه الإمامیة، قم، مؤسسه النشر
الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين،
۳ مجلد، چ دوم.
۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی
(۱۳۶۳ش)، من لا یحضره الفقیه،
محقق: علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر
انتشارات اسلامی، ۴ مجلد.
۲۳. طالع، امین (۱۳۹۳ش)، مقبره‌سازی
هنر فراموش شده: بررسی
گونه‌شناسی مقبره‌سازی و هنرهای
پیرامون آن در ایران و جهان،

- شیراز، نوید شیراز، چ ۱.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷ش)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
۲۵. طوفان، سحر (۱۳۹۰ش)، «بررسی رابطه مفهوم حریم زنانه با آفرینش فضای ورودی در معماری ایران»، **نشریه زن و مطالعات خانواده**، سال چهارم، ش ۱۴، زمستان، ص ۱۱۹-۱۴۲.
۲۶. عسکری، نسیم و دیگران (۱۳۹۸ش)، «خوانش ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس با استناد بر سفرنامه‌های قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، ۱۰، ش ۳۸، زمستان، ص ۲۱-۳۶.
۲۷. عطاردی، عزیزالله (۱۴۱۳ق)، **مسندالامام الرضا علیه السلام**، بیروت، دارالصفوة، ج ۱ (۲مجلد)، چ ۲.
۲۸. علی‌نیای مطلق، ایوب و دیگران (۱۳۹۸ش)، «بازخوانی مفهوم آستانگی در معماری و تبیین مراتب معنایی آن»، **فصلنامه معماری و شهرسازی**؛ سال ۲۹، ش ۸۷، زمستان، ص ۴۰-۵۷.
۲۹. _____ (۱۳۹۹ش)، «تبیین مفهوم آستانگی در برهم‌کنش درون و بیرون محدوده‌ها در معماری» **هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی**، دوره ۲۵، ش ۲، تابستان، ص ۳۱-۴۲.
۳۰. فرطوسی، صلاح مهدی (بی‌تا)، **تاریخچه آستان مطهر امام علی علیه السلام**، مترجم: حسین طه‌نیا، قم، پژوهشکده حج و زیارت.
۳۱. فریزر، جیمزبیلی (۱۳۶۴ش)، **سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران، توس.
۳۲. فولادی، محمد و نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۴ش)، «بررسی و مقایسه جایگاه زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه»، **معرفت ادیان**، ش ۲۵، ص ۷-۳۵.
۳۳. فون مایس، پی‌یر (۱۳۹۲ش)، **نگاهی به مبانی معماری؛ از فرم تا مکان**، مترجم: سیمون آیوازیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۶.
۳۴. قمی، عباس (۱۳۸۹ش)، **مفاتیح الجنان**، مترجم: کمره‌ای، تهران،

منظر شهر، سال ۲، ش ۳، بهار و

تابستان، ص ۴۹-۶۰.

۴۱. نقره‌کار، سید عبدالحمید و دیگران

(۱۳۸۸ش)، در آمدی بر هویت

اسلامی در معماری و شهرسازی،

تهران، طرح و نشر پیام سیما، چ ۱.

۴۲. ولی ابرقویبی، روح الله (۱۳۸۱ش)،

آداب معنوی: ۲۰۰۰ عمل مستحب

و مکروه، قم، حرم، چ ۲.

43. Simpson, J.A., and Weiner, E.S.C. (1989), Oxford English Dictionary, 2nd ed., Clarendon Press, Oxford, OED Online Oxford, 2007.

44. Turner, Victor. (1982), "Religious Celebrations", in Victor Turner (ed.),

45. Institution Press, pp 200-219.

46. B. Thomassen, (2009) The Uses and Meanings of Liminality, in International Political Anthropology, Vol. 2, No., pp. 5-28.

فهرست منابع الکترونیکی:

۴۷. پایگاه اطلاع‌رسانی استاد حسین

انصاریان؛ صفحه اذن دخول در

حرم‌های شریفه.

انتشارات نبوی، چ ۹.

۳۵. گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۸ش)،

زیبایی‌شناسی در معماری، مترجم:

جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا

همایون، انتشارات دانشگاه شهید

بهشتی، چ ۱.

۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی

(۱۳۶۸ش)، بحار الأنوار، بیروت،

دار إحياء التراث العربی، ۱۱۱مجلد.

۳۷. محدثی، جواد (۱۳۸۸ش)، «اذن

دخول»، زیارت، پیش شماره اول،

تابستان، ص ۱۲-۶.

۳۸. _____ (۱۳۹۲ش)، «فرهنگنامه

زیارت»، فرهنگ زیارت، ش ۱۴،

بهار، ص ۳۹-۲۶.

۳۹. معلوف، لویس (۱۳۷۷ش)، فرهنگ

بزرگ جامع نوین عربی به فارسی

(ترجمه المنجد)، مترجم: احمد

سیاح، تهران، انتشارات اسلام، ۲

مجلد، چ ۱.

۴۰. معینی‌فر، مریم و شجاعی، الهه

(۱۳۹۴ش)، «به‌سازی منظر ورودی

با هدف ارتقاء حس دعوت‌کنندگی

(محدوده مورد مطالعه: جلوخان

مسجد النبوی تا ورودی بازار

قزوین)»، دوفصلنامه پژوهش‌های

۴۸. پرتال جامع آستان قدس رضوی،

<https://photo.razavi.ir>، عکس رضوی،

۴۹. خبرگزاری ایسنا، «تپه سلام

روستایی به قدمت زیارت امام

مهربانی‌ها»، کدخبر: ۹۷۰۴۳۱۱۷۰۰۲،

۱۳۹۷/۴/۳۱.

<https://www.isna.ir/news/97043117002/>

۵۰. خبرگزاری فارس، «تپه سلام‌های

مشهدی، میراثی هزار ساله که

فراموش شده‌اند»، کد خبر:

۱۳۹۱/۱۰/۱۷، ۱۰۰۰د/۴۰/۷۰۰۵خ

<https://www.farsnews.ir/razavi/news/1399>

0408000147/

۵۱. نسخه الکترونیک لغت‌نامه دهخدا:

<https://www.vajehyab.com/dehkhoda>